

کفایت و پذیرش اجتماعی والدین تا چه اندازه تغییرات بلوغ و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان را تبیین می‌کند؟ مطالعه‌ای در شهر یزد

آزاده ابویی^{۱*}، محمد توکلی^۲، محمد صالح نشان^۳

۱- استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران (نویسنده مسئول): a.abooei@tea.sau.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران: tavakoli90909@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران: m.neshan@yahoo.com

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: فرزندان در اغلب زمینه‌ها تمایل دارند مانند والدین خود رفتار کنند و از الگوی رفتاری والدین پیروی کنند. تغییرات رفتاری و ارتباطی والدین که جنبه‌ی فردی و اجتماعی دارد، می‌تواند بر نگرش‌ها و رفتارهای فرزندان، به صورت بین‌نسلی تأثیرگذار باشد. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین بلوغ اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان بر اساس کفایت اجتماعی و پذیرش اجتماعی والدین آنها می‌باشد.

روش و داده‌ها: پژوهش حاضر از نوع همبستگی و نمونه پژوهش شامل ۱۷۵ نفر از مادران دارای فرزند نوجوان در شهر یزد بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون (۱۹۸۳)، بلوغ اجتماعی راثو (۱۹۸۶)، کفایت اجتماعی فلنر (۱۹۹۰) و پذیرش اجتماعی مارلون و کرون (۱۹۶۰) استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل‌ها نشان داد که کفایت اجتماعی و پذیرش اجتماعی مادران بلوغ اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند و کفایت اجتماعی مادران قدرت بیش‌بینی بیشتری در مهارت و بلوغ اجتماعی نوجوانان دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که افزایش کفایت اجتماعی و پذیرش اجتماعی مادران بلوغ اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند. مادرانی که توانایی تفکر، حل مسأله و عزت نفس بالایی دارند می‌توانند با ارائه بازخوردهای سازنده به رشد مهارت‌های اجتماعی در فرزندان خود کمک کنند.

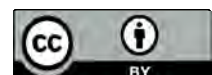
واژگان کلیدی: بلوغ اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، نوجوانان، کفایت اجتماعی، پذیرش اجتماعی

پیام اصلی: رویارویی و کنار آمدن با تغییرات همه‌جانبه جسمی، روانی و اجتماعی، از جمله مهارت‌های اجتماعی مهم برای نوجوانان است که می‌تواند در فرآیند ارتباطی و سازگاری آنان نقش داشته باشد. والدین و خصوصاً مادران در این فرآیند نقش به‌سزایی دارند. نگرش والدین نسبت به خود و نگاه واقع‌بینانه به جنبه‌های مختلف زندگی، مهارت و توانایی نوجوانان در ارتباط با مسائل مختلف را شکل می‌دهد.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

ارجاع: ابویی، آزاده؛ توکلی، محمد؛ نشان، محمد صالح (۱۴۰۲). کفایت و پذیرش اجتماعی والدین تا چه اندازه تغییرات بلوغ اجتماعی و مهارت‌های نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند؟ مطالعه‌ای در شهر یزد، *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۱): ۱۸۲-۱۶۷. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.18718.1037>



مقدمه و بیان مسأله

نوجوانان امروزی تصمیم‌گیرندگان آینده جامعه هستند. آنها با فعالیت و حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی، قوام و ثبات جامعه را رقم خواهند زد. پایه‌ها و ریشه‌های بلوغ اجتماعی در نوجوانی کاشته می‌شود و با رشد انسان تکامل می‌یابد. بلوغ اجتماعی مرحله‌ای است که فرد احساس هویت می‌کند و خود را دارای اعتبار و شخصیت می‌داند که می‌تواند با دیگران تعامل هماهنگ داشته باشد. بنابراین، رسیدن به بلوغ اجتماعی، صرف نظر از تأثیرات و توسعه اجتماعی و اقتصادی که برای جامعه دارد، بر زندگی فردی بسیار مهم است (فصیح‌فر و دلاور، ۱۳۸۶). بلوغ اجتماعی از طریق فرآیندی حاصل می‌شود که در آن افراد باورها، هنجارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای تعریف شده توسط سایر اعضای جامعه را به دست می‌آورند تا توانایی مقابله با یک محیط اجتماعی در حال تحول را افزایش دهند (رابینسون و رابینسون ۱۳۸۶). بلوغ اجتماعی مجموعه‌ای از رفتارهای آموخته شده است که فرد را قادر می‌سازد تا با دیگران رابطه مؤثر داشته باشد و از واکنش‌های اجتماعی نامعقول اجتناب کند (بیابانگرد، ۱۳۸۴). کرین^۱ (۲۰۰۶؛ به نقل از: بهادری جهرمی ۱۳۹۶) استدلال می‌کند که بلوغ اجتماعی برای دستیابی به دو مجموعه از اهداف عاطفی و ابزاری ضروری است. اهداف عاطفی شامل: یافتن دوستان و ایجاد روابط رضایت بخش با خانواده و دوستان و اهداف ابزاری شامل: مهارت‌های زندگی و کار موفق در جامعه است.

یکی از مسائلی که با بلوغ اجتماعی همراه می‌شود، بحث مهارت‌های اجتماعی نوجوانان است که یادگیری این مهارت‌ها علاوه بر کمک به فرآیند بلوغ اجتماعی، منجر به اجتماعی شدن نوجوان نیز می‌شود. موضوع اجتماعی شدن و توانایی تعامل مثبت با دیگران در تمام مراحل زندگی به ویژه در دوران حساس نوجوانی بسیار مهم است. روانشناسان مهارت‌های اجتماعی را به عنوان رفتارهای اکتسابی اجتماعی تعریف می‌کنند که فرد را قادر می‌سازد با دیگران به گونه‌ای تعامل کند که احتمال رفتارهای مثبت را افزایش داده و از واکنش‌های منفی اجتناب کند (Cartledge & Milburn, 1983). مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی عبارتند از دوستی مناسب، نوع دوستی، همزاد پنداری، توجه و مراقبت از خود در ارتباط با دیگران، مهارت‌های ارتباطی اولیه، ارتباط با غریبه‌ها، مهارت‌های جرأت‌ورزی، شجاعت و توانایی در «نه گفتن»، شناخت حقوق خود و دیگران، انتقاد و مورد انتقاد قرار گرفتن، ابراز احساسات و نظرات خود و تمجید و قدردانی از دیگران (عزیزی‌نژاد، ۱۳۹۲).

متغیر دیگر این پژوهش کفایت اجتماعی است که از جمله ویژگی‌های مؤثر بر سلامت روان افراد است و به عنوان توانایی شناختی تعریف می‌شود. توسعه کفایت اجتماعی به عنوان یکی از بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت رفتاری، علمی و اجتماعی و مشکلات عاطفی و رفتاری در حال و آینده محسوب می‌شود (جعفری باغ خیرانی، قهرمانی و کشاورزی، ۱۳۹۳). کمبود در کفایت اجتماعی اغلب مشکلات روانی و اجتماعی مانند مصرف مواد مخدر و الکل، بزهکاری، رفتارهای ضد اجتماعی و خشونت‌آمیز و ناسازگاری‌ها را پیش‌بینی می‌کند. در مقابل، بررسی سایر مطالعات نشان می‌دهد که افراد دارای کفایت اجتماعی، میزان افسردگی، بزهکاری، پرخاشگری و سایر مسائل رفتاری کمتری دارند و برنامه‌های آموزشی، شایستگی‌های فردی و اجتماعی را افزایش می‌دهند و در ایجاد و ادامه این مسائل خانواده نقش به‌سزایی دارد (دبیری، ۱۳۹۴).

¹. Crain VK

کفایت اجتماعی توانایی عملکرد انسان برای اعمال استقلال فردی و مسئولیت اجتماعی است. فلنر، لیس و فیلیپس (۱۹۹۰)، به نقل از میزبان (۱۳۹۶) معتقدند که کفایت اجتماعی دارای چهار جزء است: مهارت‌های شناختی (شامل: خزانه اطلاعات و مهارت‌های پردازش و کسب اطلاعات، توانایی تصمیم‌گیری، باورهای کارآمد و ناکارآمد و سبک‌های اسنادی است) (Kendall and Braswell, 1993)، مهارت‌های رفتاری (شامل: مذاکره، ایفای نقش، قاطعیت، مهارت‌های مکالمه برای شروع و ادامه تعاملات اجتماعی، مهارت‌های یادگیری و یادگیری دوستی با دیگران است)، مهارت‌های عاطفی (مهارتی برای ایجاد روابط مثبت با دیگران، ایجاد و توسعه اعتماد متقابل و روابط حمایتی، شناسایی و پاسخ مناسب به علائم عاطفی در تعاملات اجتماعی یا مدیریت استرس که ضروری است) و مهارت‌های انگیزشی (شامل: ساختار ارزشمند فرد، سطح رشد اخلاقی و احساس اثربخشی و کنترل بر افراد و در نهایت احساس خودکارآمدی او است) (Felner, Leas and Philips, 1990).

نقش والدین در احساس کفایت فرزندان انکارناپذیر است. سالو و فلیکت^۱ (۲۰۱۳) دریافتند دختران دارای پدران با سوءمصرف الکل کفایت اجتماعی کمتری نسبت به دختران با پدران غیرمبتلا به سوءمصرف الکل دارند. ایدن و همکاران (۲۰۰۹) نیز در نتایج مطالعه خود اظهار کردند رابطه مستقیم بین تشخیص سوءمصرف الکل در پدران و کفایت اجتماعی فرزندان وجود دارد. والدین با کفایت اجتماعی قادر به دریافت پاسخ‌های مثبت از طرف دیگران، تعامل مؤثر و سازگاری برای ایجاد روابط نزدیک هستند که این امر به نوبه خود بر پذیرش اجتماعی فرزندانشان توسط همسالان، عزت‌نفس مثبت و ارتقای اعتماد به نفس را تسهیل می‌کند. فرزندان با کفایت اجتماعی احتمالاً بیشتر راهبردهای مقابله‌ای و تکنیک‌های حل مسئله بهتری را در طیفی گسترده از موقعیت‌ها نشان می‌دهند (Vimple and Sawhney, 2017). سبک فرزندپروری مقتدرانه، رابطه مستقیم با کفایت اجتماعی و انطباق پذیری نوجوانان دارد (سوری‌نژاد، رئیسی دهکردی، کهن، شمس و ادیب‌مقدم، ۱۳۹۹).

کفایت اجتماعی به عنوان توانایی افراد برای عمل به شیوه‌ای سازنده و متناسب با سن و توانایی شناختی تعریف می‌شود. کفایت اجتماعی شامل عواملی مانند خودآگاهی اجتماعی، خود مدیریتی، مهارت‌های ارتباطی و مسئولیت تصمیم‌گیری است. هسته مرکزی کفایت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی است، زیرا سایر مؤلفه‌ها از طریق مهارت‌های ارتباطی به دست می‌آیند (سیدامینی، مالک و ممقانی، ۱۳۸۹). کبیز^۲ (۱۹۹۸) استدلال می‌کند که همانطور که سلامت روان شامل پذیرش خود است، پذیرش دیگران در جامعه نیز می‌تواند منجر به سلامت اجتماعی شود. ساپ و هارود^۳ (۱۹۸۹) پذیرش اجتماعی را به عنوان نقطه نظر مرجعی تعریف کرده‌اند که دیدگاه‌های یک نظام اجتماعی گسترده را بیان می‌کند. ساپ از آن به عنوان بُعد جدیدی از نگرش هنجاری یاد می‌کند. طبق نظر ساپ و هارود (۱۹۸۹)، این مفهوم تکمیل شده دو دسته از گروه‌های مرجع است. اولی نوع مقایسه‌ای است که افراد برای ارزیابی یک رفتار خاص استفاده می‌کنند و دومی نوع هنجاری است که برای شکل دادن و تثبیت رفتار استفاده می‌شود.

1. Salo & Flykt

2. Keyes

3. Sapp & Harrod

آدامز پذیرش اجتماعی را به عنوان جایگاه و اعتبار یک رفتار در میان گروه‌های هدف آن رفتار تعریف می‌کند (پالی و اذعانی، ۱۳۹۹). وال^۱ (۲۰۰۴) پذیرش اجتماعی را عدم وجود موانع و مخالفت با اجرای یک سیستم تعریف کرده است. از سوی دیگر، اسپچاد و اسپچلاگ (۲۰۰۳) معتقدند که تعاریف ارائه شده در مورد این موضوع متناقض هستند. این دو در نگاهی دقیق‌تر به موضوع، دو کلمه قبولی و میزان قبولی را از یکدیگر جدا کرده و به هر کدام معنای خاصی بخشیده‌اند. بدین ترتیب از پذیرش دو معنا می‌توان استنباط کرد. اولی نگرش مثبت و مطلوب نسبت به موضوعی خاص و معنای دوم انطباق رفتار با اهداف کلان و عینی نظام مورد اجراء است. مورد اول به معنای پذیرش نگرشی و دومی پذیرش رفتاری است. در واقع پذیرش یک رفتار در قالب کنش و واکنش نسبت به یک هدف خاص و میزان پذیرش یک نگرش تأییدی بر یک هدف خاص است (ظروفی، ۱۳۹۲).

شیوه‌های فرزندپروری از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت محسوب می‌شود. اثرات اولیه رفتارها در ارتباطات فرد با دیگران و سازگاری با محیط اطراف در آینده و روی‌هم‌رفته در کل زندگی، نقش تعیین‌کننده دارد. رفتارها و خصیصه‌های نامطلوب در رفتار والدینی ریشه دارد که احتمالاً بیش از حد عاطفی و حمایت‌کننده‌اند، خلق‌وخوی بچه‌گانه دارند، وعظ‌کننده، طردکننده و بیش از حد وظیفه‌شناس هستند (کلور و همکاران^۲، ۲۰۲۰) فرزندپروری فعالیت پیچیده‌ای است که شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد و مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان هستند (Shucksmith, Hendry, Glendinning, 1995). والدین، الگوها و ارزش‌های جامعه خود را درست همانطور که توسط والدین و معلمان به آنها تحمیل شده در کودک خود منعکس می‌کنند.

در پژوهش حاضر، کفایت اجتماعی و پذیرش اجتماعی والدین معیاری برای پیش‌بینی بلوغ و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان در نظر گرفته شده است و درصدد آمده که تأثیر این متغیرها در دو جامعه مذکور و اثر یک جامعه بر جامعه دیگر را بررسی نماید. به طور کلی می‌توان گفت خانواده و به طور مؤکد پدر و مادر به واسطه ارتباط همه‌جانبه و بلندمدتی که با فرزندان خود دارند تأثیرات زیادی بر روی یادگیری ابعاد زندگی نوجوانان خود در مراحل مختلف زندگی از کودکی تا بزرگسالی می‌گذارند. در این راستا، بندورا معتقد است زمانی که یادگیرنده (نوجوان)، رفتار شخص دیگری (والدین) را مشاهده می‌کند که برای آن فرد پاداش یا تقویتی دریافت می‌کند، آن رفتار توسط نوجوان آموخته می‌شود. به همین جهت می‌توان با تقویت و اثرگذاری روی ابعاد شخصیتی والدین همچون کفایت و پذیرش اجتماعی آنها علاوه بر بالا بردن کیفیت زندگی والدین، نوجوانانی فعال، پویا و سرزنده تربیت کرد و در نهایت به جامعه‌ای موفق، شاداب و فعال در آینده مبادرت نمود.

به این ترتیب، مطالعه حاضر با توجه به ارزش و اهمیت کفایت اجتماعی و پذیرش اجتماعی در زندگی نوجوانان و نیز تأکید بر این که این عوامل از عوامل مؤثر بر بلوغ اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نوجوان هستند، به دنبال پاسخ این سؤال است که آیا می‌توان بر اساس کفایت اجتماعی و پذیرش اجتماعی والدین، بلوغ اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نوجوان را پیش‌بینی کرد؟ در جهت پاسخگویی به این سؤال، از نظریات این حوزه و با بررسی مطالعات پیشین درباره پیش‌بینی بلوغ اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نوجوان بر اساس

1. Vander Wal

2. Cluver et.al

کفایت اجتماعی و پذیرش اجتماعی والدین استفاده شده است. علاوه بر اهمیت شیوه‌های تربیتی والدین بر سلامت روانی نوجوانان، ویژگی‌های مهم دوره نوجوانی مثل استقلال‌طلبی و تلاش برای یافتن هویت مستقل نیز در این دوره اهمیت زیادی دارد و یادگیری در این فرآیند حائز اهمیت است. پاکدامن، خامسان و براتی (۱۳۹۰) دریافتند که بهترین سبک فرزندپروری مادران برای رسیدن به بلوغ اجتماعی نوجوانان، سبک اقتدار منطقی می‌باشد. در رسیدن به بلوغ اجتماعی هوش نقش به‌سزایی دارد. همچنین مطالعات مختلف اثر بخشی یا مرتبط بودن آموزش مهارت‌های اجتماعی و کار گروهی را بر هر بُعد از شایستگی اجتماعی تأیید کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه‌های پژوهش، پژوهشگران یافته‌های خاصی که این موضوع را به طور خاص بررسی کرده باشد، پیدا نکردند اما به طور جداگانه پژوهش‌های متعددی انجام شده است. اکرمی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند، دریافت آموزش می‌تواند نقش مهمی در کاهش مشکلات رفتاری و افزایش مهارت‌های اجتماعی در دوره بلوغ داشته باشد. بیرامی، هاشمی‌نصرت‌آباد، میرنسب و کلیایی (۱۳۹۷) نشان دادند که آموزش برنامه حل مسئله اجتماعی طراحی شده، بر کلیه مؤلفه‌های کفایت اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر معنی‌داری داشته است. نتایج بیاتی، افروز و حسینچاری (۱۳۹۵) بیانگر این بود که برنامه آموزشی کفایت اجتماعی خانواده محور باعث بهبود مهارت‌های اجتماعی کلی، رفتارهای اجتماعی مناسب، رابطه با همسالان، کاهش رفتارهای غیر اجتماعی و پرخاشگری دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی شد.

هیرن، توماس و زولچ (۲۰۱۹) نشان دادند که همدلی می‌تواند مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند. به طوری که دانش‌آموزانی که از میزان بالایی از همدلی برخوردار هستند، در تعاملات اجتماعی میزان کفایت اجتماعی بالایی را دارند. همچنین آلتو و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که کیفیت روابط و کفایت اجتماعی نقش واسطه‌ای در رابطه بین سوءاستفاده دوران کودکی و علائم افسردگی در بزرگسالان دارد.

روش و داده‌های پژوهش

نظر به این که پژوهش حاضر با هدف جمع‌آوری اطلاعاتی درباره موضوع پیش‌بینی بلوغ اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان بر اساس میزان کفایت اجتماعی و پذیرش اجتماعی والدین دانش‌آموزان دوره اول متوسطه است، روش پژوهش مذکور توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. این پژوهش به صورت مقطعی در سال ۱۴۰۰ و در شهر یزد انجام پذیرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی مادران نوجوانان پایه هفتم تا نهم در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود که در شهر یزد سکونت داشتند و در این شهر تحصیل می‌کردند؛ که باتوجه به آمارها تعداد این جامعه آماری ۲۲۹۷۰ بود. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد.

بر این اساس، تعداد ۱۷۵ نفر از مادران نوجوانان پایه‌های هفتم تا نهم با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌های استاندارد استفاده شد.

الف) پرسشنامه استاندارد بلوغ اجتماعی رائو^۱ (RSMS)، (۱۹۸۶) دارای ۹۰ سوال می‌باشد. از ۹۰ گویه پرسشنامه، ۲۳ گویه به صورت مثبت و ۶۷ گویه به صورت منفی بیان شده است. همچنین پرسشنامه دارای ۱۰ مؤلفه عدم کنترل، سلطه‌جویی، اعتماد به دیگران، سهل‌انگاری، کم‌رویی، تنوع‌طلبی، نفع‌طلبی و خودپرستی، خیرخواهی، بی‌خیالی، خودبزرگ‌بینی می‌باشد. آلفای کرونباخ برای این متغیر ۰/۷۶ به دست آمده است.

ب) پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون (MESSY)، مقیاس مهارت‌های اجتماعی ماتسون و همکاران. فرم کودکان را در سال ۱۹۸۳ برای اندازه‌گیری مهارت‌های اجتماعی افراد ۴ تا ۱۸ ساله ایجاد کرد. پاسخ‌های داده شده به این مقیاس بر اساس شاخص مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای با دامنه‌ای از (هرگز ۱) تا (همیشه ۵) نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس شامل ۵۶ عبارت است که عوامل زیر را اندازه‌گیری می‌کند (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱):

۱) مهارت‌های اجتماعی مناسب که رفتارهای اجتماعی مناسب، از قبیل داشتن ارتباط دیداری با دیگران، مؤدب بودن، به کار بردن نام دیگران و اشتیاق به تعامل با دیگران به طریقی مفید و مؤثر را در بر می‌گیرد؛ ۲) رفتارهای غیراجتماعی شامل رفتارهایی مانند دروغ گفتن، کتک کاری، خرده‌گرفتن بر دیگران، ایجاد صداهای ناهنجار و ناراحت‌کننده و زیر قول خود زدن هستند؛ ۳) پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، شامل رفتارهایی مانند به آسانی عصبانی شدن، یکدندگی و لجبازی، دعوا و مرافعه راه انداختن، قلدری و کتک کاری باشند؛ ۴) برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود، شامل رفتارهایی در مورد به خود نازیدن و به دیگران پز دادن، تظاهر به دانستن همه چیز و خود را برتر از دیگران دیدن هستند؛ و ۵) رابطه با همسالان شامل تنهایی، حسادت، دوستی و بازی با بچه‌های دیگر است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بوده است (Matson, Rotatori & Helsel, 1983).

ج) پرسشنامه کفایت اجتماعی (SCS) فلنر، لیس و فلیپس (۱۹۹۰): مقیاس کفایت اجتماعی توسط فلنر لیس و فلیپس ۱۹۹۰ تهیه شده است. این مقیاس شامل ۴۷ سؤال و ۴ خرده مقیاس کفایت شناختی، رفتاری، کفایت هیجانی و آمیبه‌های انگیزی می‌باشد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷ به دست آمده است.

د) پرسشنامه پذیرش اجتماعی مارلو و کرون (SDS): این مقیاس دارای ۳۳ سؤال است که به آنها پاسخ صحیح یا غلط داده شده است. پس از تطبیق پاسخ‌ها با کلید، نمرات به دست آمده از آزمون در سه دسته تفسیر می‌شود: گروهی که پذیرش اجتماعی پایینی دارند، این گروه شامل کسانی است که نمره آزمون آنها بین صفر تا هشت است که تقریباً یک ششم آنها در این محدوده قرار دارند و احتمال طرد آنها وجود دارد؛ گروه متوسط: کسانی که امتیازشان بین ۹-۱۹ است در این گروه قرار می‌گیرند که حدود دو سوم افراد را شامل می‌شود. این افراد پذیرش اجتماعی متوسطی دارند و رفتارهایشان مطابق با قوانین و هنجارهای اجتماعی است؛ و گروهی که از مقبولیت اجتماعی بالایی برخوردارند. آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۶۹ بوده است (عظیمی، ۱۳۹۵).

¹. Rao Social Maturity Scale

یافته‌ها

نتایج یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد، ۵۸ درصد از پاسخگویان را مادران پسران و ۴۲ درصد را مادران دختران تشکیل می‌دهند. بر اساس یافته‌های پژوهش، حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۱۳ و ۱۶ ساله بوده است. میانگین سن آنها ۱۴/۲۰ سال با انحراف معیار ۰/۸۲۷ است. همچنین، ۳۲ درصد از پاسخگویان تحقیق در پایه هفتم، ۴۰ درصد در پایه هشتم و ۲۸ درصد در پایه نهم، مشغول به تحصیل بودند.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیر بلوغ اجتماعی و خرده‌مقیاس‌های آن

متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
کفایت شخصی	۳۰	۸۲	۴۷/۵۹	۱۰/۵۲۲
کفایت میان فردی	۳۲	۸۷	۵۰/۷۲	۱۰/۳۷۵
کفایت اجتماعی	۳۱	۸۵	۵۰/۴۱	۸/۵۹۹
بلوغ اجتماعی	۹۳	۲۵۴	۱۴۸/۷۲	۲۶/۲۲۴

بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین و انحراف معیار متغیر کفایت شخصی به ترتیب ۴۷/۵۹ و ۱۰/۵۲۲، میانگین و انحراف معیار متغیر کفایت میان فردی به ترتیب ۵۰/۷۲ و ۱۰/۳۷۵ و میانگین و انحراف معیار متغیر کفایت اجتماعی به ترتیب ۵۰/۴۱ و ۸/۵۹۹ است و بالاخره میانگین و انحراف معیار متغیر بلوغ اجتماعی به ترتیب ۱۴۶/۵۹ و ۲۶/۲۲۴ است.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیر مهارت‌های اجتماعی و خرده‌مقیاس‌های آن

متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
مهارت‌های اجتماعی مناسب	۲۱	۷۳	۴۳/۶۷	۱۲/۰۴۹
رفتارهای غیراجتماعی	۱۱	۳۹	۲۵/۰۹	۸/۰۵۷
پرخاشگری و رفتارهای تکانشی	۱۲	۴۲	۲۶/۰۶	۸/۸۹۹
برتری طلبی	۴	۱۹	۱۰/۹۷	۳/۲۲۲
رابطه با همسالان	۱۶	۳۷	۲۵/۸۲	۵/۳۴۱
مهارت‌های اجتماعی	۸۱	۱۸۵	۱۳۰/۷۸	۲۸/۸۹۲

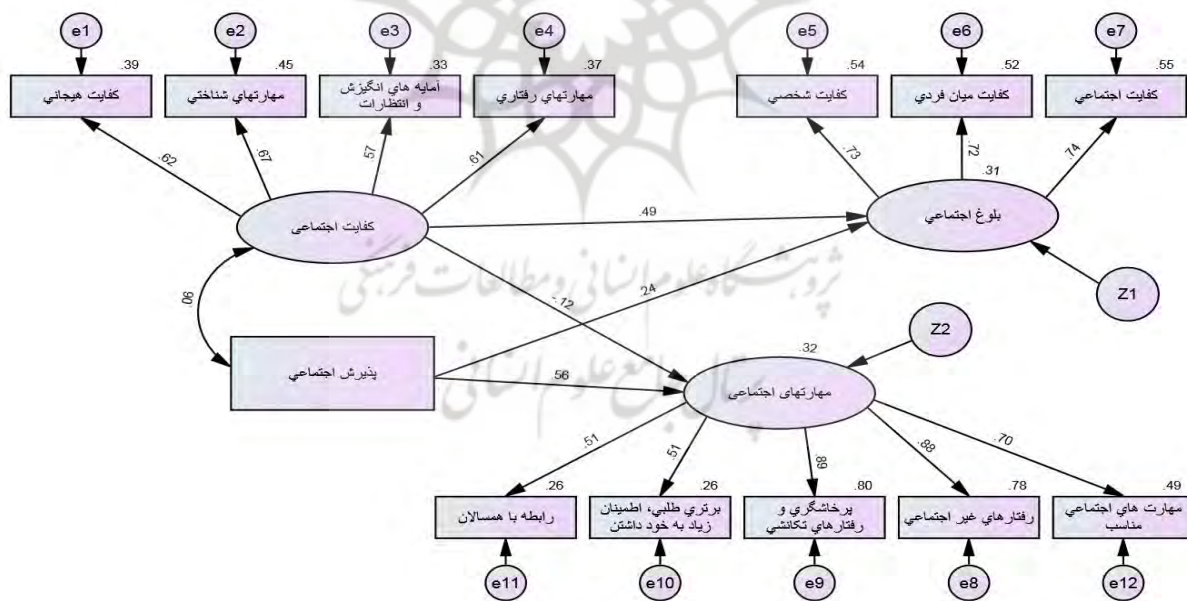
بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین و انحراف معیار متغیر مهارت‌های اجتماعی مناسب به ترتیب ۴۳/۶۷ و ۱۲/۰۴۹، میانگین و انحراف معیار متغیر رفتارهای غیراجتماعی به ترتیب ۲۵/۰۹ و ۸/۰۵۷، میانگین و انحراف معیار متغیر پرخاشگری و رفتارهای تکانشی به ترتیب ۲۶/۰۶ و ۸/۸۹۹، میانگین و انحراف معیار متغیر برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن به ترتیب ۱۰/۹۷ و ۳/۲۲۲ و میانگین و

انحراف معیار متغیر رابطه با همسالان به ترتیب ۲۵/۸۲ و ۵/۳۴۱ است و بالاخره میانگین و انحراف معیار متغیر مهارت‌های اجتماعی به ترتیب ۱۳۰/۷۸ و ۲۸/۸۹۲ است.

جدول ۳- ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین متغیرهای مختلف تحقیق

متغیرها	کفایت اجتماعی	پذیرش اجتماعی	بلوغ اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی
کفایت اجتماعی	۱			
پذیرش اجتماعی	۰/۰۲۶	۱		
بلوغ اجتماعی	**۰/۲۴۵	***۰/۲۹۴	۱	
مهارت‌های اجتماعی	۰/۰۲۰	***۰/۵۳۶	۰/۱۰۰	۱
	*** معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۰۱	** معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱	* معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۵	

بر اساس یافته‌های پژوهش، بین متغیرهای کفایت اجتماعی و پذیرش اجتماعی با متغیر بلوغ اجتماعی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($P < ۰/۰۱$)، همچنین بین پذیرش اجتماعی با متغیر مهارت‌های اجتماعی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($P < ۰/۰۰۱$) ولی رابطه بین کفایت اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی، معنی‌دار نیست ($P > ۰/۰۵$).



شکل ۱- مدل معادله ساختاری در حالت استاندارد

جدول ۴- برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	CMIN	DF	CMIN/DF	GFI	IFI	CFI	RMSEA
مقدار	۱۴۴/۴۷۱	۶۱	۲/۳۶۸	۰/۹۵۳	۰/۹۵۸	۰/۹۶۰	۰/۰۶۲
دامنه قابل قبول	-	-	<۳	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۸

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند. به عبارت دیگر، برازش داده‌ها در مدل برقرار است. برای محاسبه اثر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته از نرم‌افزار اموس استفاده شد که خروجی آن در جدول ۵ گزارش شده است:

جدول ۵- برآورد اثر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار ضریب	P
کفایت اجتماعی	بلوغ اجتماعی	۰/۴۹۰	۰/۰۰۱
		۰/۲۴۳	۰/۰۰۶
کفایت اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی	-۰/۱۲۰	۰/۱۶۹
		۰/۵۶۵	۰/۰۰۱

طبق نتایج شکل ۱ و جدول ۵، اثر مستقیم کفایت اجتماعی والدین بر بلوغ اجتماعی نوجوانان به لحاظ آماری معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$ و $\beta = ۰/۴۹۰$). این رابطه مثبت و معنی‌دار است؛ یعنی هرچه کفایت اجتماعی والدین بیشتر باشد بلوغ اجتماعی نوجوانان، بیشتر است. بنابراین، فرضیه ۱ مبنی بر این که می‌توان بر اساس کفایت اجتماعی والدین، بلوغ اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی کرد، تأیید می‌شود.

همچنین، طبق نتایج شکل ۱ و جدول ۵، اثر مستقیم پذیرش اجتماعی والدین بر بلوغ اجتماعی نوجوانان به لحاظ آماری معنادار است ($P < ۰/۰۱$ و $\beta = ۰/۲۴۳$). این رابطه مثبت و معنی‌دار است؛ یعنی هرچه پذیرش اجتماعی والدین بیشتر باشد بلوغ اجتماعی نوجوانان، بیشتر است. بنابراین، فرضیه ۲ مبنی بر این که می‌توان بر اساس پذیرش اجتماعی والدین، بلوغ اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی کرد، تأیید می‌شود.

علاوه بر این، براساس نتایج شکل ۱ و جدول ۵، اثر مستقیم کفایت اجتماعی والدین بر مهارت‌های اجتماعی نوجوانان به لحاظ آماری معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$ و $\beta = -۰/۱۲۰$). بنابراین، فرضیه ۳ مبنی بر این که می‌توان بر اساس کفایت اجتماعی والدین، مهارت‌های اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی کرد، تأیید نمی‌شود. در نهایت، برپایه نتایج شکل ۱ و جدول ۵، اثر مستقیم پذیرش اجتماعی والدین بر مهارت‌های اجتماعی نوجوانان به لحاظ آماری معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$ و $\beta = ۰/۵۶۵$). این رابطه مثبت و معنی‌دار است؛ یعنی هرچه

پذیرش اجتماعی والدین بیشتر باشد مهارت‌های اجتماعی نوجوانان، بیشتر است. بنابراین، فرضیه ۴ مبنی بر این که می‌توان بر اساس پذیرش اجتماعی والدین، مهارت‌های اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی کرد، تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد کفایت اجتماعی مادران (۰/۴۹) و پذیرش اجتماعی آنها (۰/۲۴) بر بلوغ اجتماعی نوجوانان تأثیر دارد. کفایت اجتماعی مادران با پذیرش آنها همبستگی مثبتی داشته و مهارت‌های شناختی به عنوان یکی از خرده مقیاس‌های کفایت اجتماعی بالاترین همبستگی را با کفایت اجتماعی دارد. یعنی مادرانی که توانایی تفکر، حل مسأله و بازشناسی شناختی بالایی دارند می‌توانند به رشد هیجانی و مهارتی فرزندان خود کمک کنند که با یافته‌های ظهیری و هنرپروران (۱۳۹۵) و محمدی، سلیمی و برجعلی (۱۳۹۶) همسو بود.

در تبیین فرضیه فوق می‌توان گفت بر اساس نظریه بندورا شکل‌گیری کفایت اجتماعی از خانواده اثرپذیر است. زمانی که نوجوان دارای والدینی باشد که کفایت اجتماعی بالایی داشته باشند به طور طبیعی روابط اجتماعی و تعاملات اجتماعی در او توسعه می‌یابد و این خود منجر به رشد بلوغ اجتماعی می‌گردد. والدین کمک می‌کنند فرزند با تکیه بر خود و بدون کمک از دیگران، از عهده کارهای خود برآید و در وضعیت‌ها و ارتباطات اجتماعی مؤثر واقع شود. از این رو کفایت اجتماعی بالای والدین منجر به رشد خودباوری و اتکاء به خود در نوجوان می‌گردد و بلوغ اجتماعی نوجوان را افزایش خواهد داد. می‌توان براساس پذیرش اجتماعی والدین، بلوغ اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی کرد که براساس یافته‌ها این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. این یافته با یافته‌های موقر افضلی (۱۳۹۵) و پاکدامن، خامسان و براتی (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌ها باید گفت که دیوال و همکاران^۱ (۲۰۱۱) پذیرش اجتماعی را در برآیند برخی از پدیده اجتماعی مانند نفوذ اجتماعی، همنوایی اجتماعی، قضاوت اجتماعی و نگرش‌های افراد می‌داند. به عقیده وی، پذیرش اجتماعی سازگارشدن با دیگران از زاویه دید آنهاست. پس والدینی که پذیرش اجتماعی بالایی دارند نسبت به دیگران اعتماد می‌کنند و به این که دیگران خوب هستند معتقدند. این برداشت در زندگی موجب می‌شود به نوجوانان خود بیاموزند تا با دیگران برخوردی منطقی داشته باشند و نسبت به دیگران با دید مثبت بنگرند. این رفتارها به آنان کمک خواهد کرد تا به زعم (انگلبگ و اسجوبگ^۲؛ ۲۰۰۴) فرزند/نوجوان باورها، هنجارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهایی را کسب کند که توانایی مواجهه با محیط اجتماعی در حال توسعه را به آن می‌دهد و به افراد کمک می‌کند تا محیط اجتماعی اطراف را به خوبی درک نماید که این رفتارها همان مهارت‌های اجتماعی هستند. در نتیجه، زمانی که والدین در تعاملات و درک احساسات و دیدگاه‌های نوجوان برخوردی منطقی و سازنده‌تر داشته باشند شرایط برای کنکاش و تحلیل آموخته‌ها برای نوجوان فراهم‌تر شده و بلوغ اجتماعی در آنان رشد می‌یابد.

فرضیه سوم مطالعه این بود که بر اساس کفایت اجتماعی والدین، مهارت‌های اجتماعی نوجوانان را می‌توان پیش‌بینی کرد که این فرضیه بر اساس یافته‌های پژوهش تأیید نشد. این یافته با یافته‌های میکائیلی منبع، عیسی زادگان و نقوی هرزند (۱۳۹۰)، بیاتی، افروز و حسینچاری (۱۳۹۵) و همخوانی ندارد. البته با یافته‌های بشارت (۱۳۸۳)، بشارت، عزیزی و حسینی (۱۳۸۹)، آرمین، سهرابی و کاظمی

^۱ . Dewall et.al

^۲ . Engelberg & Sjöberg

(۱۳۹۰)، بشارت، عزیزی و پورشریفی (۱۳۹۰)، قاسمی پور کردمحلله و بزازیان (۱۳۹۲)، فرنودیان، اسدزاده و ابراهیمی قوام (۱۳۹۲)، مظلوم همدانی و عموپور (۱۳۹۶) و اسدی و حسینی طبقدھی (۱۳۹۹) مطابقت و همخوانی دارد.

مکفال معتقد است فرد دارای کفایت اجتماعی، یک تکلیف اجتماعی خاص و عملکرد شایسته دارد (کاظمی، مؤمنی، کیامرثی و ۱۳۹۰). بنابراین، در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت احتمالاً والدین دارای کفایت اجتماعی بالا که در زمینه روابط اجتماعی و موقعیت‌های بین فردی عملکرد بهتری دارند به واسطه کمال‌گرایی بیشتر انتظارات سختگیرانه‌تری از فرزندان خود داشته‌اند. از طرفی، عدم فرهنگ‌سازی درست در زمینه وضعیت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی زمینه‌گسترش مهارت‌های اجتماعی در نوجوان را فراهم نخواهد ساخت؛ چراکه عدم کفایت اجتماعی والدین مانعی جهت توسعه مهارت اجتماعی فرزندان خواهد بود.

با این وجود، کفایت اجتماعی والدین می‌تواند منجر به ایفای نقش سازنده‌تر و مهارت‌های مکالمه برای شروع و ادامه تعاملات اجتماعی و افزایش یادگیری نوجوان شود. همچنین آنها در ارتباط با نوجوان پاسخ مناسب به علائم عاطفی در تعاملات با وی دارند (فلنر و همکاران، ۱۹۹۰). بنابراین زمانی والدین در تعاملات و مهارت‌های مکالمه‌ای به طور سازنده دست به عملگرایی بزنند، شرایط لازم جهت یادگیری مهارت‌های اجتماعی برای نوجوان مهیا می‌گردد. در نتیجه می‌توان گفت عدم ایفای نقش درست والدین و عدم توان برقراری تعاملات عاطفی، اجتماعی منجر به عدم رشد کفایت اجتماعی والدین شده و این شرایط موجب می‌شود ناتوانی والدین به فرزندان انتقال یافته و فرزندان در تعاملات اجتماعی با مشکل مواجه شوند.

از طرفی اضطراب عملکردی نوجوانان برای الگوبرداری از والدین با کفایت اجتماعی بالا منجر به کاهش مهارت‌های اجتماعی در آنان خواهد شد. انتظارات سختگیرانه منجر به اضطراب عملکردی بالاتر نوجوان شده و در نتیجه افت مهارت‌های اجتماعی وی را به دنبال خواهد داشت. از طرفی والدینی که کفایت اجتماعی پایین داشته باشند به واسطه الگوی ضعیف، منجر به تحریک نوجوان به تقویت بیشتر مهارت‌های اجتماعی شده و بنابراین ممکن است فرزندان با مهارت‌های اجتماعی بالاتر داشته باشند به همین دلیل در مجموع با توجه به موارد ارائه شده نمی‌توان کفایت اجتماعی والدین را ملاک قابل اطمینان برای پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی نوجوانان در نظر گرفت. از این رو، عملکرد و ساختار خانواده می‌تواند در ایجاد و تداوم خصیصه‌های نوجوان نقش مؤثری داشته باشد (محمدی، سلیمی و برجعلی، ۱۳۹۶). از دیگر یافته‌های این پژوهش این بود که می‌توان بر اساس پذیرش اجتماعی والدین، مهارت‌های اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی کرد. این یافته با یافته‌های فتوچنیک، پریرا و فولوگینی^۱ (۲۰۱۲) همخوانی دارد. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت پذیرش اجتماعی مصداق پذیرفتن خود فرد است. وقتی فرد نسبت به خود نگرش مثبت و احساس مطلوب داشته باشد در عین داشتن ضعف و کاستی، تمام جنبه‌های خود را قبول دارد که این خود منجر به مهربانی، افزایش ظرفیت و مؤثر بودن می‌گردد (McElhaney Antonishak, & Allen, 2008).

مهارت رویارویی و کنار آمدن با تغییرات همه جانبه جسمی، روانی و اجتماعی نوجوانان، سبک‌های مقابله‌ای آنان است که می‌تواند در فرآیند ارتباطی و سازگاری افراد به ایفای نقش پردازد و والدین و خصوصاً مادران در این فرآیند نقش به‌سزایی دارند. نگرش والدین و خصوصاً مادران نسبت به خود و نگاه واقع‌بینانه به جنبه‌های مختلف زندگی مهارت و توانایی نوجوان در ارتباط با

^۱. Potochnick, Perreira & Fuligni

مسائل مختلف را شکل می‌دهد. وجود باورها و ارزش‌ها در خانواده و در روابط اجتماعی والدین، منجر به نهادینه‌شدن ارزش‌ها و باورها در بین نوجوانان شده و آنها با پذیرش خود و گسترش روابط صمیمی با دیگران، هنجارها و باورهای مورد قبول اجتماعی را در خود توسعه داده که خود منجر به رشد مهارت‌های اجتماعی می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت زمانی که والدین نسبت به خود نگرش مثبت دارند و احساسات خود را می‌توانند به خوبی مدیریت نمایند و با داشتن ظرفیت کافی جهت محبت کردن به نوجوان در پذیرش وی دچار مشکل نخواهند بود و پذیرش نوجوان از سوی والدین شرایطی را مهیا خواهد ساخت تا نوجوان بتواند ارتباط و تعامل اجتماعی خود را افزایش دهد، از این رو خواهد توانست مهارت‌های اجتماعی را در خود توسعه دهد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این متغیرها به تفکیک جنسیت در دختران و پسران سنجیده شود و اثربخشی بسته آموزشی مهارت‌های زندگی والدین و نوجوانان بر این متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. همچنین با توجه به این که این پژوهش در شهر یزد انجام شده، پیشنهاد می‌گردد در شهرهای دیگر مورد بررسی قرار گیرد. همچنین با توجه به اهمیت والدین بر سلامت روان فرزندان پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی و توانمندسازی برای والدین و به خصوص مادران برگزار شود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر دسترسی دشوار به مادران نوجوانان به واسطه شرایط کرونا و جلب رضایت شرکت‌کنندگان برای همکاری در پژوهش بود.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی‌ارشد نویسندهٔ دوم مقاله در رشتهٔ مشاوره خانواده است که در دانشکده علوم انسانی دانشگاه علم و هنر به انجام رسیده است. نویسندگان مقاله از تمام شرکت‌کنندگان و همچنین نظرات اصلاحی داوران محترم پایان‌نامه و داوران ناشناس مقاله حاضر تشکر می‌کنند.

منابع

- آرمین، مریم؛ سهرابی، نادره و کاظمی، سلطانی (۱۳۹۰). «رابطه ابعاد کمال‌گرایی والدین با عزت نفس و خودکارآمدی فرزندان». **روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی** - ویژه نامه (۲)، ۱۵-۲۸.
- اسدی، زینب و حسینی طبقدهی، سیده لیلا (۱۳۹۹). «نقش کمال‌گرایی و مثبت‌اندیشی والدین، در پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی». **مجله روانشناسی**، ۱(۲۴)، ۹۱-۱۰۵.
- اکرمی، لیلا؛ ملک پور، مختار؛ فرامرزی، سالار و عابدی، احمد (۱۳۹۸). «بررسی اثربخشی برنامه آموزش مادران و نوجوانان بر کاهش مشکلات رفتاری و اجتماعی دختران نوجوان در دوره بلوغ». **روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)**، ۲(۳۳)، ۱۱۳-۱۲۴.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۳). «بررسی رابطه کمال‌گرایی والدین و اضطراب امتحان دانش‌آموزان». **روانشناسی و علوم تربیتی**، ۱(۳۴)، ۱-۱۹.
- بشارت، محمدعلی؛ عزیزی، کوروش و پورشریفی، حمید (۱۳۹۰). «رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی». **خانواده پژوهی**، ۲۶(۷)، ۱۴۵-۱۶۰.
- بشارت، محمدعلی؛ عزیزی، کوروش و حسینی، سیده اسما (۱۳۸۹). «رابطه کمال‌گرایی والدین با سبک‌های فرزندپروری». **پژوهش در نظام‌های آموزشی**، ۸(۴)، ۹-۲۹.

- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). «مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان دختر دبیرستانی نایینا ناشنوا و عادی شهر تهران». **پژوهش در حیطه کودکان استثنایی**، ۱، ۵۵-۶۸.
- بیاتی، شبنم؛ افروز، غلامعلی و حسینچاری، مسعود (۱۳۹۵). «بررسی اثربخشی آموزش کفایت اجتماعی خانواده محور بر مهارت‌های اجتماعی کودکان با کم توانی ذهنی». **تعلیم و تربیت استثنایی**، ۳ (۱۴۰)، ۲۲-۳۰.
- بیرامی، منصور؛ هاشمی، تورج؛ میرنسب، میرمحمود و کلیایی، لایلا (۱۳۹۷). «اثربخشی آموزش حل مسئله اجتماعی بر مؤلفه‌های کفایت اجتماعی دانش آموزان قربانی قلدری». **تسناخت اجتماعی**، ۱ (۱۳)، ۵۱-۷۰.
- بهادری جهرمی، ثمینه. (۱۳۹۶). پیش‌بینی سلامت عمومی نوجوانان بر اساس حمایت اجتماعی ادراک‌شده و بلوغ اجتماعی. **نشریه علمی روانشناسی اجتماعی**، ۵ (۴۳)، ۶۴-۵۵.
- پاکدامن، مجید؛ خامسان، احمد و براتی، فخرالسادات (۱۳۹۰). «نقش سبک‌های فرزندپروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان تیزهوش آهسته گام و عادی». **مطالعات روانشناسی تربیتی**، ۸ (۱۴)، ۴۰-۲۳.
- پالی، سمیرا و اذغانی، لایلا (۱۳۹۹). «نقش میانجی شادکامی و انگیزش تحصیلی در رابطه میان خودراهبری یادگیری با پذیرش اجتماعی در دانش آموزان دختر دوره دوم ابتدایی شهرستان تنکابن». **مدیریت و چشم انداز آموزش**، ۲، ۳۹-۵۸.
- جعفری باغ خیراتی، علیرضا؛ قهرمانی، لایلا؛ کشاورزی، ساره و کاوه، محمدحسین (۱۳۹۳). «تأثیر آموزش کفایت اجتماعی بر رفتار سازشی دانش آموزان». **آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت**، ۱، ۲۵-۴۱.
- دیبری، سولماز (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش کفایت اجتماعی بر اساس مدل فلنر بر تاب آوری، خودکارآمدی، سازگاری اجتماعی تحصیلی و میزان قربانی شدن دانش آموزان قربانی قلدری در مدرسه با توجه به اهداف پیشرفت اجتماعی. پایان‌نامه دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه تبریز. رایبسون، نانسی ام. و رایبسون، هالبرت بی (۱۳۸۶). **کودک عقب مانده ذهنی**، (ترجمه فرهاد ماهر)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- زارعی، حیدرعلی (۱۳۹۲). «الگوسازی روابط بین سبک‌های تفکر و سازگاری آموزشی با پیشرفت تحصیلی». **مجله روانشناسی**، ۱، ۶۰-۴۴.
- سوری نژاد حدیث، رئیسی دهکردی زیبا، کهن شهناز، شمس مهری، ادیب مقدم الهام. (۱۳۹۹). مقایسه سبک فرزندپروری و سلامت روان در مادران تک‌فرزند و دو یا چند فرزند شهر اصفهان. **پرستاری، مامایی و پیراپزشکی**، ۵ (۴): ۷۱-۶۲.
- سیدامینی، به‌یانه؛ مالک، ایوب و ابراهیمی ممقانی، مهرانگیز (۱۳۸۹). «سطح کفایت فعلیتی، اجتماعی و مدرسه‌ای در دختران چاق و دارای اضافه وزن مدارس ابتدایی شهر تبریز». **پرستاری ایران**، ۶۹، ۳۶-۴۲.
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۰). **روانشناسی پرورشی نوین**. تهران، نشر دوران.
- ظروفی، مجید (۱۳۹۲). بررسی رابطه پذیرش اجتماعی با مهارت‌های اجتماعی بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شبستر، **مطالعات جامعه‌شناسی**، ۱۱۰، ۹۱-۱۹.
- ظهیری، مژگان و هنرپروران، نازنین (۱۳۹۵). «رابطه شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان شهر اصفهان سال ۱۳۹۴». **سلامت**، ۴، ۳۸-۴۶.

- عزیزی نژاد، بهاره (۱۳۹۲). «تأثیر تعلیم تفکر انتقادی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانشجویان علوم پزشکی». *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۲، ۶۹-۷۳.
- عظیمی، داریوش (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش سرسختی روانشناختی بر خودکارآمدی تحصیلی و پذیرش اجتماعی دانش آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرنودیان، پریسا؛ اسدزاده، حسن و ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۹۲). «رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی و خود تنظیمی و مقایسه آن در دانش آموزان خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند». *علوم رفتاری*، ۱۶ (۵)، ۹۹-۱۲۰.
- فصیح فر، الهه و دلاور، علی (۱۳۸۶). «ساخت و هنجاریابی مقیاس بلوغ اجتماعی در دانش آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهرستان سبزوار در سال تحصیلی ۸۶ تا ۸۷». *روانشناسی تربیتی*، ۹، ۴۳-۵۹.
- قاسمی پور کرم‌محله، معصومه و بزازیان، سعیده (۱۳۹۲). «رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و کمال‌گرایی با اضطراب اجتماعی دانش آموزان تیزهوش». *علوم رفتاری*، ۱۵ (۵)، ۱۰۱-۱۱۴.
- کارتلج، جی و میلیرن، جی اف (۲۰۱۰). *آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان*. (ترجمه نظری نژاد، محمدحسن). مشهد، نشر آستان قدس.
- کاظمی، رضا؛ مومنی، سویل و کیامرثی، آرش (۱۳۹۰). «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر کفایت اجتماعی دانش آموزان مبتلا به اختلال ریاضی». *ناتوانی‌های یادگیری*، ۱ (۱)، ۹۴-۱۰۸.
- محمدی، محسن؛ سلیمی، حسین و برجلی، احمد، (۱۳۹۶) مقایسه فعالیت‌ها و عوامل والدینی در ورود موفق و ناموفق به مرحله نوجوانی چرخه زندگی، *پژوهش‌های مشاوره*، ۶۱ (۱۶)، ۱۶۶-۱۹۰.
- مظلوم همدانی، شهیدسادات و عموپور، مسعود (۱۳۹۶). «رابطه کمال‌گرایی والدین با عزت نفس و خوش بینی فرزندان آنها در بین دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان رشت». *توسعه‌ی آموزش جنیدی تساپور*، ویژه نامه (۸)، ۱۱۸-۱۲۲.
- موقر افضلی، فاطمه‌السادات (۱۳۹۵). رابطه نگرش به زندگی با بلوغ اجتماعی و پذیرش اجتماعی کودکان و نوجوانان تحت پوشش کانون پرورش فکری دیلمقانی کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- میزبان، نرگس (۱۳۹۶). نقش کفایت اجتماعی در پیش‌بینی سلامت روان سالمندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- میکائیلی منیع، فرزانه؛ عیسی زادگان، علی؛ نقوی هرزند، ملیحه (۱۳۹۰). «بررسی اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر مدل کفایت اجتماعی فلنر بر بهبود رشد و مهارت‌های اجتماعی دختران کم توان ذهنی». *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۲۴، ۱۷۵-۲۰۲.
- هومن، حیدرعلی، وطن خواه، حمیدرضا، و جهانزاد، سارا. (۱۳۹۲). مطالعه ویژگی‌های روان سنجی پرسشنامه بلوغ اجتماعی راثو. *تحقیقات روانشناختی*، ۵ (۱۷)، ۳۹-۲۲.
- یوسفی، فریده و خیر، محمد (۱۳۸۱). «بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران دبیرستانی در این مقیاس». *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲ (۳۶)، ۱۴۷-۱۵۸.

Alto, M., Handley, E., Rogosch, F., Cicchetti, D., & Toth, S. (2018). Maternal relationship quality and peer social acceptance as mediators between child maltreatment and adolescent depressive symptoms: Gender differences. *Journal of Adolescence*, 63(1), 19-28.
<https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2017.12.004>

- Asher, S. R., & Taylor, A. R. (1981). Social outcomes of mainstreaming: Sociometric assessment and beyond. *Exceptional Education Quarterly*, 1(4), 13–30.
<https://doi.org/10.1177/074193258100100407>
- Cartledge G., Milburn J.F. (1983). Social skill assessment and teaching in the schools. In Kratochwill T.R. (Ed.), *Advances in school psychology: Volume III* (pp. 175–235). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.)
- Cluver, L., Lachman, J. M., Sherr, L., Wessels, I., Krug, E., Rakotomalala, S., Blight, S., Hillis, S., Bachman, G., Green, O., Butchart, A., Tomlinson, M., Ward, C. L., Doubt, J., & McDonald, K. (2020). Parenting in a time of COVID-19. *Lancet*, 395(10231), e64.
[https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(20\)30736-4](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(20)30736-4)
- Delvecchio, E., Germani, A., Raspa, V., Lis, A., & Mazzeschi, C. (2020). Parenting Styles and child's well-being: The mediating role of the perceived parental stress. *Europe's Journal of Psychology*, 16(3), 514–531. <https://doi.org/10.5964/ejop.v16i3.2013>
- Eiden, R. D., Colder, C., Edwards, E. P., & Leonard, K. E. (2009). A longitudinal study of social competence among children of alcoholic and nonalcoholic parents: role of parental psychopathology, parental warmth, and self-regulation. *Psychology of Addictive Behaviors: Journal of the Society of Psychologists in Addictive Behaviors*, 23(1), 36–46.
<https://doi.org/10.1037/a0014839>
- Engelberg, E., & Sjöberg, L. (2004). Emotional intelligence, affect intensity, and social adjustment. *Personality and Individual Differences*, 37(3), 533–542.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2003.09.024>
- Felner, R. D., Lease, A. M., & Philips, R. C. (1990). Social competence and the language of adequacy as a subject matter for psychology: A quadripartitetri-level framework. In T. P. Gullotta, G. R. Adams, & R. Montemayor (Eds.), *Developing Social Competency in Adolescence* (pp. 245–264). Sage.
- Hirn, S. L., Thomas, J., & Zoelch, C. (2019). The role of empathy in the development of social competence: a study of German school leavers. *International Journal of Adolescence and Youth*, 24(4), 395–407. <https://doi.org/10.1080/02673843.2018.1548361>
- Kendall, P. C., & Braswell, L. (1993). *Cognitive-Behavioral Therapy for Impulsive Children*. Guilford press.
- Klein-Sosa, J., & Renk, K. (2016). Social acceptance as a moderator in the relationship between socioeconomic status and the psychological adjustment of ethnically diverse early adolescents. *Journal of Ethnic & Cultural Diversity in Social Work*, 25(2), 130–152.
<https://doi.org/10.1080/15313204.2015.1132180>

- Lennox Terrion, J., O’Rielly, S., & Rocchi, M. (2016). Social competence of adolescents in residential substance abuse treatment. *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse*, 25(4), 280–291. <https://doi.org/10.1080/1067828x.2015.1037515>
- McElhaney, K. B., Antonishak, J., & Allen, J. P. (2008). “They like me, they like me not”: popularity and adolescents’ perceptions of acceptance predicting social functioning over time. *Child Development*, 79(3), 720–731. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8624.2008.01153.x>
- Matson, J. L., Rotatori, A. F., & Helsel, W. J. (1983). Development of a rating scale to measure social skills in children: the Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters (MESSY). *Behaviour Research and Therapy*, 21(4), 335–340. [https://doi.org/10.1016/0005-7967\(83\)90001-3](https://doi.org/10.1016/0005-7967(83)90001-3)
- Potochnick, S., Perreira, K. M., & Fuligni, A. (2012). Fitting in: the roles of social acceptance and discrimination in shaping the daily psychological well-being of Latino youth: Daily psychological well-being of Latino youth. *Social Science Quarterly*, 93(1), 173–190. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6237.2011.00830.x>
- Salo, Saara, and Marjo Flykt (2013), 'The Impact of Parental Addiction on Child Development', in Nancy E. Suchman, Marjukka Pajulo, and Linda C. Mayes (eds), *Parenting and Substance Abuse: Developmental Approaches to Intervention*, New York: Oxford Academic, <https://doi.org/10.1093/med:psych/9780199743100.003.0010>
- Sapp, S., & Harrod, W. J. (1989). Social acceptability and intentions to eat beef. An expansion of the Fishbein- Ajzen model using reference group theory. *Rural Sociology*, 54(3), 420–438.
- Schade, J., & Schlag, B. (2003). Acceptability of urban transport pricing strategies. *Transportation Research. Part F, Traffic Psychology and Behaviour*, 6(1), 45–61. [https://doi.org/10.1016/s1369-8478\(02\)00046-3](https://doi.org/10.1016/s1369-8478(02)00046-3)
- Shucksmith, J., Hendry, L. B., & Glendinning, A. (1995). Models of parenting: implications for adolescent well-being within different types of family contexts. *Journal of Adolescence*, 18(3), 253–270. <https://doi.org/10.1006/jado.1995.1018>
- Vimple, & Sawhney, S. (2017). Relationship between social competence and home environment of adolescents. *Learning Community-An International Journal of Educational and Social Development*, 8(3), 135. <https://doi.org/10.5958/2231-458x.2017.00018.5>
- Wal, J. S. V. (2004). Eating and body image concerns among average-weight and obese African American and Hispanic girls. *Eating Behaviors*, 5(2), 181–187. <https://doi.org/10.1016/j.eatbeh.2004.01.007>
- Walker, D. (2003). *Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters*. McGraw-Hill.



How Parents' Social Adequacy and Acceptance Explains Changes in Adolescent Social Maturity and Skills? A Study in Yazd, Iran

Azdade Abooei^{1*}, Mohammad Tavakoli², Mohammad Saleh Neshan³

1. Assistant Professor, Department of Counseling, Science and Arts University, Yazd, Iran (Corresponding Author); a.abooei@tea.sau.ac.ir
2. Master Student in Family Counseling, Science and Arts University, Yazd, Iran; tavakoli90909@gmail.com
3. Ph.D. Candidate in Counseling, Science and Arts University, Yazd, Iran; m.neshan@yahoo.com

Original Article

Abstract

Background and Aim: Parents greatly influence their children's lives, as children imitate their parents' behaviors and attitudes. Improving parents' interactions and behaviors can lead to positive changes in their children's social skills and maturity. This study examines the relationship between social maturity and social skills of teenagers in Yazd city and their parents' social adequacy and acceptance.

Methods and Data: The method is a correlational study with a sample of 150 mothers with teenage children in Yazd. The instruments used are Matson's Social Skills Questionnaire (1983), Rao's Social Maturity Scale (1986), Fellner's Social Adequacy Scale (1990), and Marlowe and Crowne's Social Desirability Scale (1960).

Findings: Data analysis revealed a significant positive relationship between adolescents' social maturity and social skills and their parents' social adequacy and acceptance. Adolescents who have higher levels of social maturity and skills tend to have parents who have higher levels of social adequacy and acceptance, and vice versa. This implies that mothers who have high levels of thinking, problem-solving and cognitive recognition abilities can facilitate their children's emotional and skill development.

Conclusion: According to the results, increasing parents' social adequacy and acceptance can predict their adolescents' social maturity and skills. This implies that parents can enhance their children's social development by improving their own self-esteem, modeling positive social behaviors, providing constructive feedback, and support.

Keywords: Social maturity, Social skills, Adolescents, Social adequacy, Social acceptance

Key Message: The coping strategies of teenagers in confronting with physical, mental, and social changes is an important social skill which can play a role in the process of their communication and adaptation. Parents, especially mothers, play a significant role in this process. The attitude of parents and especially mothers towards themselves and the realistic view of different aspects of life shapes the skills and ability of teenagers in relation to different issues.

Received: 12 July 2022

Accepted: 26 October 2022

Citation: Abooei, A., Tavakoli, M., & Neshan, M.S. (2023). How Parents' Social Adequacy and Acceptance Explains Changes in Adolescent Social Maturity and Skills? A Study in Yazd, Iran. *Journal of Social Continuity and Change*, 2(1): 167-182. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.18718.1037>

